

بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی در بین جوانان

۱۵ تا ۲۴ سال شهر ایلام

میشم قدسی^۱

چکیده

پژوهش حاضر که با هدف شناخت رابطه بین سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت اجتماعی در بین جوانان شهر ایلام در سال ۱۳۹۵ انجام شده، از نوع پیمایشی است. جامعه آماری آن نیز شامل کلیه جوانان شهر ایلام با دامنه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال به تعداد ۵۹ هزار و ۹۳۰ نفر بر اساس سالنامه آماری سال ۱۳۹۵ می باشد که به جهت گستردگی از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران، ۳۸۱ نفر تعیین گردید. ابزار جمع آوری اطلاعات در این بررسی، پرسشنامه بود. تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از طریق نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ با استفاده از دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفت. در سطح آمار توصیفی از نمودار فراوانی، درصد و میانگین و در سطح استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. روایی ابزار پژوهش نیز از طریق اعتبار صوری و پایایی آن از طریق فرمول کوکران به دست آمد. یافته ها نشان داد که معیار sig بعد ذهنی سرمایه فرهنگی برابر با ۰/۰۰۰ است و این نشان می دهد که بین بعد ذهنی سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی پیرسون نیز ۰/۹۷۴ است که نشان از همبستگی مثبت و قوی بین دو متغیر دارد؛ یعنی هرچه بر بعد ذهنی سرمایه فرهنگی افزوده شود، مشارکت اجتماعی افزایش خواهد یافت. دو متغیر عینیت یافتگی سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی نیز در سطح ۰/۰۰۰ معنادار هستند؛ همچنین میزان همبستگی (۰/۹۵۰) دو متغیر، نشان دهنده همبستگی مثبت و قوی است، یعنی با رشد بعد عینی سرمایه فرهنگی، شاهد گرایش به مشارکت اجتماعی در بین جوانان ایلام خواهیم بود. مقدار معناداری بین بعد نهادی سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی (۰/۰۰۰) و میزان همبستگی (۰/۹۲۸)، حاکی از معنادار شدن رابطه و همبستگی مثبت و قوی بین دو متغیر است؛ به این معنا که افزایش بعد نهادی سرمایه فرهنگی سبب افزایش میزان مشارکت اجتماعی در میان جوانان شهر ایلام می گردد.

واژگان کلیدی: سرمایه فرهنگی، مشارکت اجتماعی، ذهنیت یافتگی، عینیت یافتگی، نهادی شدن.

مقدمه و طرح مسئله

آلن بیرو^۱ (۱۳۷۰: ۲۷۵) اصطلاح مشارکت را به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن دانسته است. «مشارکت اجتماعی در جهان به معنای عمومی آن، یعنی سهمی شدن در منافع حاصل از یک کار جمعی با عضویت در گروهی خاص و فعالیت در یک عمل گروهی، تاریخی به اندازه زندگی بشر دارد. این مفهوم در سال‌های اخیر به طور گسترده مورد بحث قرار گرفته است و امروزه به عنوان مؤلفه اصلی توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، بخشی از ادبیات توسعه را تشکیل می‌دهد» (نصیری، ۱۳۸۹: ۱۵). از آنجایی که کشور ما در صدد طی کردن مراحل توسعه است؛ لذا در برنامه‌ریزی‌های مختلفی که در این راستا صورت می‌گیرد باید به مشارکت به عنوان مؤلفه اساسی و تفکیک‌ناپذیر توسعه نگریسته شود و اعتقاد به لزوم مشارکت فعال گروه‌های وسیع جامعه در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی مورد تأکید قرار گیرد.

«مشارکت اجتماعی، تحت تأثیر عوامل زیادی، از جمله سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی یک جامعه است؛ در واقع سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی علاوه بر اینکه همدیگر را تقویت می‌کنند، منجر به افزایش مشارکت افراد جامعه هم می‌شوند» (فرجی و فعلی، ۱۳۸۹: ۵). بدون شک، پیشرفت و توسعه یک کشور، نیازمند این نوع مشارکت است و این امر امکان‌پذیر نخواهد بود مگر در جوامعی که سرمایه‌های فرهنگی بالایی دارند. تردیدی نیست که نقش جوانان، به عنوان پیکره اصلی جامعه، در جهت مشارکت اجتماعی، بسیار عظیم و نیرومند خواهد بود و با توجه به گستردگی جمعیت جوان در استان ایلام، مشارکت آنها می‌تواند زمینه مشارکت اجتماعی را در سطح جامعه فراهم کند (زارع و روحنده، ۱۳۹۴: ۶۷). سرمایه فرهنگی نیز «به عنوان مفهومی جامعه‌شناختی، شامل هنجارها و ارزش‌های مشترک در میان گروهی از مردم است که سبب ترویج همکاری و ایجاد اعتماد در بین آنها می‌شود» (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۳۴). «همانطور که سرمایه اقتصادی به عنوان مالکیت ثروت‌های مادی یا مالی، عنصر مهمی در تربیت اجتماعی و روابط اجتماعی به دلیل تقابل بالقوه فقرا و ثروتمندان است، سرمایه فرهنگی نیز نقشی به همان اندازه مهم، در پویایی اجتماعی و شکل‌گیری

1. Alain, Birou



طبقات و گروه‌های اجتماعی بر عهده دارد. سرمایه فرهنگی به عنوان یکی از شاخص‌های سرمایه، مجموعه‌ای از ثروت‌های نمادین است که بدون کوشش شخصی کسب نمی‌شود؛ بلکه از جانب عامل با کار طولانی و مداوم، پیگیری یادگیری، فرهنگ‌پذیری و نهادینه شدن در جامعه می‌تواند به صورت عناوین، مدارک تحصیلی و... که به استعدادهای فرد عینیت می‌بخشد، جلوه‌گر شود» (ایران‌نژاد، ۱۳۹۲). «این مفهوم دارای سه بعد اصلی است: ۱. بعد تجسم‌یافته یا ذهنی که شامل تمایلات و گرایش‌های روانی فرد نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی است؛ ۲. بعد عینی که شامل میزان مصرف کالاهای فرهنگی است و ۳. بعد نهادی که مدارک و مدارج تحصیلی و علمی - فرهنگی فرد را شامل می‌شود» (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

به اعتقاد صاحب‌نظران توسعه، سرمایه فرهنگی، خود، شاخصی از توسعه فرهنگی به شمار می‌رود؛ لذا با توجه به اهمیت تأمین آن، لازم است که سیاست‌گذاران فرهنگی، شناخت کاملی از رشد آن داشته باشند، چگونگی تحولات آن را بدانند و منابعی را برای تأمین این نیاز به گونه‌ای متناسب تخصیص دهند؛ بدین ترتیب با مطالعه علمی و شناخت دقیق سرمایه فرهنگی اقشار مختلف جامعه، می‌توان از این مفهوم به عنوان متغیر پیش‌بینی‌کننده در تحلیل مسائل اجتماعی و فرهنگی، نظیر هویت اجتماعی، مشارکت، عملکرد تحصیلی، هم‌نوایی و... سود جست (چلبی، ۱۳۸۲: ۹۵).

مردم استان ایلام تا قبل از سال ۱۳۴۰، کوچرو بوده و دامپروری می‌کرده‌اند. این شیوه از امرار معاش نیز مناسبات اجتماعی - فرهنگی و کنش‌های متقابل خاصی را طلب می‌کرده است؛ اما پس از آن به دلیل تصمیمات دولت وقت، ورود مدرنیزاسیون، رواج شهرگرایی و شهرنشینی و سیل مهاجرت به شهر ایلام، در کم و کیف روابط متقابل شهرنشینان و مناسبات اجتماعی و فرهنگی حاکم بر زندگی آنها تغییراتی ایجاد شد. حال پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که آیا سرمایه فرهنگی جوانان ایلامی می‌تواند منجر به افزایش میزان مشارکت اجتماعی آنان شود؟

انجام این پژوهش از دو جنبه ضروری می‌نماید: ۱. با توجه به اینکه پژوهش‌چندانی در خصوص سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی در بین جوانان شهر ایلام انجام نشده است یافته‌های این تحقیق می‌تواند برای کسانی که علاقه‌مند به پژوهش در این حوزه هستند، به کار آید. ۲. مدیران شهری می‌توانند با توجه به اهمیت سرمایه فرهنگی و لحاظ کردن آن در برنامه‌ریزی‌های شهری،

در هزینه‌های شهری صرفه‌جویی کنند که این امر در مقایسه با شرایط عدم استفاده از سرمایه فرهنگی به عنوان ذخیره و پس‌انداز، موجب می‌شود مردم یک شهر به سرمایه مادی و اقتصادی کمتری نیاز داشته باشند؛ لذا هدف کلی این پژوهش، شناخت رابطه بین سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی در بین جوانان استان ایلام در سال ۱۳۹۵ است.

پیشینه پژوهش

۱. پژوهش‌های خارجی

دنا گاورلیوک و همکارش در سال ۲۰۱۴ تحقیقی در مورد سرمایه نمادین و ابعاد سرمایه فرهنگی برای سازمان‌های آموزشی رومانیایی انجام داده‌اند. آنها در پژوهش خود به بررسی مشکلات و معضلات فکری و رفتاری نظام آموزشی غرب کشور رومانی پرداخته و برای رفع آنها راه‌حل فکری و عملی ارائه کرده‌اند. آنان همچنین سرمایه نمادین را برای بهبود نظام آموزشی کشور پیشنهاد داده‌اند که ریشه در نگرش‌های اجتماعی، تاریخی و فرهنگی کشور دارد.

سوئینگ کیم و هیسوم کیم نیز در سال ۲۰۰۷ مطالعه‌ای با عنوان «اهمیت سرمایه فرهنگی، اختلاف فرهنگی و کیفیت زندگی» در کشور کره جنوبی انجام دادند. آنان در پژوهش خود به بررسی چگونگی تأثیر اختلاف در میزان سرمایه فرهنگی بر رضایت فردی پرداختند و عواملی ایجادکننده اختلاف در میزان سرمایه فرهنگی را برشمردند. این پیمایش با استفاده از یک پرسشنامه استاندارد شده و با مصاحبه حضوری در یک نمونه ۶۳۰۰ خانواری در ۳۱ شهر و شهرک استان گیونگ جی صورت گرفت و از بین این تعداد، از ۱۹۵۰ خانوار که با استفاده از نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شده بودند، پاسخ دریافت گردید. آنها سرمایه فرهنگی را بر حسب کمیت، تنوع و میزان هزینه شرکت در فعالیت‌های فرهنگی، بر هشت نوع فعالیت، تقسیم فرعی نمودند که عبارت بودند از: فعالیت‌های ادبی، نمایشگاه‌های نقاشی، موسیقی کلاسیک و اجراهای اپرا، اجراهای سنتی، نمایش‌ها، اجراهای رقص، سینما، کنسرت‌های موسیقی یا نمایش‌های محیطی. این دو محقق با تجزیه و تحلیل داده‌های خود به این نتایج دست یافتند: ۱. افراد با تجربیات فرهنگی بیشتر، رضایت و احساس خوشبختی بیشتری دارند؛ ۲. سرمایه فرهنگی بر کیفیت زندگی مؤثر است؛ ۳. درآمد و آموزش بیش از طبقه اجتماعی، تعیین‌کننده سرمایه فرهنگی افراد است.

۲. پژوهش های داخلی

رضادوست و همکاران (۱۳۸۸) تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر ایلام» انجام داده‌اند که در آن، ارتباط متغیرهای جنس، وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل، تحصیلات، رضایت از خدمات شهری، عضویت در تشکل‌های اجتماعی و شرکت در انتخابات با متغیر مشارکت اجتماعی جوانان مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاصل از آزمون دو متغیره در این پژوهش، بیانگر معنادار بودن ارتباط متغیرهای مذکور به غیر از «جنس» با مشارکت اجتماعی است. نتایج حاصل از آزمون چندمتغیره نیز نشان داد که در نهایت، متغیرهای مستقل، ۵۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند که در این میان متغیر «شرکت در انتخابات» بیشترین سهم را داشته است. نتایج تحقیق به طور کلی نیز نشان داد که مشارکت اجتماعی در بین مردم شهرستان ایلام، هنوز به عنوان یک مؤلفه مدرن شناخته نشده است.

خوب‌آیند (۱۳۸۳) در مقاله خود با عنوان «بررسی شاخص‌های برخورداری و درجه‌بندی توسعه در شهرستان‌های استان ایلام» به این نتیجه رسیده است که مفهوم توسعه در شهرهای استان ایلام به مفهومی که در استان‌های پیشرفته کشور مشاهده می‌گردد، نمایان نشده است و اکثر شاخص‌های کمی و کیفی مورد مطالعه در این پژوهش، نسبت به سایر استان‌ها از ابعاد پایین‌تری برخوردارند. رستمی و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با میزان مشارکت اجتماعی در بین دبیران زن شاغل در آموزش و پرورش شهر میاندوآب» انجام داده‌اند که جامعه آماری آن را کلیه دبیران زن شاغل در آموزش و پرورش شهر میاندوآب تشکیل داده و تعداد آنها ۱۵۰۰ نفر بوده است. نگارندگان با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی، جمعیت شاغل آنها را در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، طبقه‌بندی کرده و با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته به گردآوری اطلاعات پرداخته‌اند. اطلاعات به دست آمده نشان داد که در مجموع، میزان مشارکت اجتماعی دبیران زن در حد بالایی بوده و میزان سرمایه فرهنگی آنان در حد متوسط قرار داشته است و سهم دو بعد تجسم‌یافته و عینیت‌یافته در حد متوسط و سرمایه فرهنگی نهادی، کمتر از حد متوسط بوده، در نتیجه بین دو متغیر میزان مشارکت اجتماعی و میزان سرمایه فرهنگی، همبستگی مستقیم معناداری وجود داشته است.

قاسمی و نامدار جویمی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین فرهنگی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه دولتی

ایلام)» به این نتیجه رسیدند که وجود سلسله مراتب سرمایه فرهنگی، باعث ایجاد کشاکش نمادین سرمایه می شود. اگر مرجع (برای تقلید فرهنگی)، از خود مردم باشد و فاصله کمتری با اقشار مختلف از نظر طبقاتی، داشته باشد از طرف آنان، بهتر مورد پذیرش قرار خواهد گرفت؛ بنابراین می توان از قدرت نمادین فرهنگی در جهت سیاست گذاری ها و گروه بندی های اجتماعی در جامعه استفاده کرد.

یافته های پژوهش درینی و همکاران (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام)» شدت رابطه (r) سرمایه اجتماعی با ابعاد سرمایه فرهنگی (تجسم یافته، عینیت یافته، نهادینه شده) را به ترتیب برابر با ۰/۹۱، ۰/۷۵، ۰/۷۱ و میزان رابطه کلی سرمایه اجتماعی با سرمایه فرهنگی را برابر با ۰/۸۹ نشان داد. بر اساس نتایج به دست آمده، افرادی که سرمایه نمادین بیشتری دارند از سرمایه فرهنگی بیشتری برخوردارند. برای تغییر فرهنگ در سازمان یا جامعه یا تأثیر گذاری بر آن، باید از انواع سرمایه نمادین (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) استفاده کرد و سرمایه فرهنگی موجود را به سمت هدف نهایی (سرمایه نمادین مقبول جامعه ایرانی و اسلامی) تغییر داد.

نوابخش و ثابتی (۱۳۹۴)، تحقیقی با عنوان «طراحی و ارائه الگو جهت سنجش تأثیر سرمایه فرهنگی بر ابعاد توسعه پایدار شهری با تأکید بر انرژی های پاک» انجام داده اند. جامعه آماری این پژوهش را ۱۹۲ نفر از ساکنان منطقه ۱ شهرداری تهران که به روش خوشه ای انتخاب شده اند، تشکیل داده است. از آنجایی که این تحقیق در پی سنجش و بررسی تأثیر و نوع سرمایه فرهنگی بوده، تحلیل یافته ها از روش مدل یابی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم افزار لیزرل انجام گرفته است. این یافته ها حکایت از تأثیر مثبت، مستقیم و معنادار متغیر سرمایه فرهنگی بر ابعاد متغیر توسعه پایدار دارد که این تأثیر به ترتیب بر بعد اقتصادی توسعه پایدار، ۸۸٪؛ بر بعد اجتماعی و زیست محیطی توسعه پایدار، ۷۱٪ و بر بعد سیاسی توسعه پایدار، ۷۰٪ بوده است. در نهایت نیز نگارندگان مقاله، برای نیل به اهداف توسعه پایدار، پیشنهادهای چون: فرهنگ سازی برای حفظ محیط زیست، تهیه پیوست فرهنگی، ارتقای سطح فرهنگ عمومی و مسئولیت پذیری شهروندان را ارائه دادند.

موسوی (۱۳۸۵) در تحقیق خود با عنوان «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه های سرمایه اجتماعی» به این نتیجه رسید که زمینه های مشارکت اجتماعی به عنوان



یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تحلیل نهایی هر چند در سطح خرد، تا حدودی مساعد می‌باشد؛ اما به دلیل نبود زمینه‌های مناسب، شکل‌گیری مشارکت اجتماعی در بین افراد مشاهده نمی‌شود؛ در نتیجه از بعد ذهنی، اعتمادپذیری در بین شهروندان، همچنین بین شهروندان و دستگاه‌های دولتی شکل نمی‌گیرد و همین باعث شده است که بعد عینی مشارکت اجتماعی، یعنی شبکه تعاملات اجتماعی به وجود نیاید و مشارکت اجتماعی تحقق پیدا نکند. اکبری‌ان و فتحی (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان «مشارکت اجتماعی اساس توسعه اجتماعی» به نتیجه رسیدند که بدون شک، توسعه اجتماعی، مستلزم مشارکت‌های مردمی در ابعاد مختلف است و بدون مشارکت نمی‌توان به توسعه اجتماعی مردم‌محور، فراگیر و پایداری دست یافت. در فرایند توسعه اجتماعی، مشارکت آحاد جامعه مد نظر است و شهروندان، قطع نظر از تعلقات قومی، علایق و اعتقاداتشان، امکان می‌یابند با توجه به صلاحیت و توانمندی ذهنی خود، در تمام پدیده‌ها و متغیرها اثرگذار باشند. توسعه در بسیاری از موارد، حتی آداب و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می‌گیرد.

جمع‌بندی پیشینه

پیشینه پژوهش شامل مطالعات متعددی بود که هر کدام به نحوی به بررسی سرمایه فرهنگی و توسعه پرداخته بودند. در این میان، تحقیق سوئینگ کیم و هیسوم کیم (۲۰۰۷) در خصوص اهمیت سرمایه فرهنگی، اختلاف فرهنگی و کیفیت زندگی، پژوهش رستمی و همکاران (۱۳۹۰) در خصوص بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی، مقاله درینی و همکاران (۱۳۹۴) در خصوص بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین، پژوهش نوابخش و ثابتی (۱۳۹۴) در مورد طراحی و ارائه الگو جهت سنجش تأثیر سرمایه فرهنگی بر ابعاد توسعه پایدار شهری و مقاله اکبری‌ان و فتحی (۱۳۹۱) و موسوی (۱۳۸۵) در حوزه مشارکت اجتماعی، توانست به پژوهش حاضر یاری رساند. پژوهش‌های خوب‌آیند (۱۳۸۱) و قاسمی و نامدار جویمی (۱۳۹۳) نیز تحقیق حاضر را پوشش نداد.

مبانی نظری تحقیق

سرمایه فرهنگی

پیر بوردیو نظریه پرداز سرمایه فرهنگی، از جمله متفکران برجسته جامعه‌شناسی در فرانسه است. وی به جای مفاهیم سنتی جامعه‌شناسی مثل ساختار و عاملیت، مفاهیم میدان و عادتواره را به کار می برد. به عقیده وی، «میان میدان و عادتواره، رابطه دیالکتیکی وجود دارد و در حالی که عادتواره در ذهن کنشگر است، میدان در خارج از ذهن او جای دارد» (ریتزر، ۱۳۷۹: ۷۰۱). مفهوم سرمایه، بخصوص سرمایه فرهنگی، تنها در کنار مفهوم میدان، معنی می یابد. میدان، عرصه‌ای اجتماعی است که مبارزه‌ها یا تکاپوها بر سر منابع و منافع معین و دسترسی به آنها در آن صورت می پذیرد. میدان نظام ساخت یافته موقعیت‌هایی است که توسط افراد یا نهادها اشغال می شود و ماهیت آن، تعریف‌کننده وضعیت برای میدان‌ها (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۳۶) و دارندگان این موقعیت هاست. این میدان‌ها بازارهایی برای سرمایه‌های خاص هستند که در آنها عاملان اجتماعی بنا بر استعدادات خاص خود در انواع سرمایه‌ها می اندیشند و عمل می کنند (شویره و فونتن، ۱۳۸۵: ۱۳۹). بوردیو در مقاله «انواع سرمایه در سال ۱۹۸۱» به بحث درباره انواع سرمایه پرداخته است که یکی از آنها همین سرمایه فرهنگی است. «سرمایه فرهنگی به عنوان صلاحیت در فرهنگ پایگاه‌ها، ایده‌ها و گرایش‌ها تعریف می شود و اغلب به عنوان مکانیسم مهمی در باز تولید سلسله مراتب اجتماعی در نظر گرفته می شود» (روح‌الامینی، ۱۳۷۴: ۱۱۱). «این سرمایه، نقش بسیار مهمی در اندیشه بوردیو ایفا می کند؛ به طور کلی سرمایه فرهنگی، شامل راه و رسم پسندیده، پیچیدگی شناختی و شناختن و توانایی پذیرش محصولات مشروع از قبیل هنر، موسیقی کلاسیک، نمایش و ادبیات و تسلط یافتن بر هر نوع از نظام نمادین است» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۸).

بوردیو تأثیر سرمایه فرهنگی بر مصرف، فعالیت و سبک زندگی فرهنگی افراد را با توسل به نظریه تمایز بیان می کند. مطابق این نظریه، دارندگان سرمایه فرهنگی زیاد خود را با مصرف فرهنگ و هنر متعالی از بقیه متمایز می کنند. داشتن سرمایه فرهنگی بیشتر به معنای داشتن توان شناختی بالاتر است؛ چنانکه ورفه‌وست نشان داده است گرایش به فرهنگ و هنر متعالی، ناشی از شایستگی ارتباطی بیشتر دارندگان این ظرفیت شناختی و کنجاوی بیشتر ایشان برای رمزگشایی از محصولات فرهنگی است؛ بدین ترتیب، سرمایه فرهنگی، از مسیری



فردی-ذهنی و نه بر اساس راهبردی اجتماعی مبارزه‌جویانه، سبب گرایش افراد به سبک زندگی فرهنگی خاصی می‌شود (همان: ۱۰۱). داشتن سرمایه فرهنگی، کارکردهای مختلفی دارد: اولاً کسب مشروعیت از طریق بقیه سرمایه‌ها، منوط به تبدیل شدن آنها به سرمایه فرهنگی است. کسی که به واسطه سرمایه فرهنگی منزلت دارد، می‌تواند روایت خود را از دنیای اجتماعی بر دیگران تحمیل کند؛ ثانیاً داشتن سرمایه فرهنگی به این معناست که فرد می‌تواند خود را از الزامات زندگی روزمره جدا کند و نوعی گزینش دلخواه در عرصه فرهنگ انجام دهد. به بیان بوردیو، خلق و خوی فاصله گرفتن گزینشی از الزامات طبیعی و اجتماعی، از اخلاق یا «زیبایی‌شناسی محض» نشئت می‌گیرد (همان: ۳۸). سه منبع عمده سرمایه فرهنگی از نظر او، عبارتند از: پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی. انباشت سرمایه فرهنگی در افراد از طریق این سه منبع، سبب بروز تفاوت‌هایی در دارندگان سرمایه فرهنگی و کسانی که فاقد آن هستند، می‌شود. داگلاس هولت برای آزمودن گفته‌های وی درباره این تفاوت‌ها، به بررسی آنها در آمریکا پرداخته است. ویسه، تمایز اصلی میان دو گروه دارندگان سرمایه فرهنگی و محرومان از آن را در چند دوتایی خلاصه می‌کند: زیبایی‌شناسی صوری، زیبایی‌شناسی مادی، شناخت مبتنی بر حجیت و شناخت انتقادی (ناصری و ساروخانی، ۱۳۹۵: ۲۴).

سرمایه فرهنگی از نظر بوردیو (۱۳۸۴: ۱۳۷) می‌تواند به سه شکل وجود داشته باشد: «در حالت متجسد، به شکل خصایل دیرپای فکری و جسمی؛ در حالت عینیت‌یافتگی، به شکل کالاهای فرهنگی (تصاویر، کتاب‌ها، لغت‌نامه‌ها، ادوات، ماشین‌آلات و ...) که رد پا یا تحقق نظریه‌ها یا نقد این نظریه‌ها و ... است و بالأخره، در حالت نهادینه‌شده، یعنی شکلی از عینیت‌یافتگی که باید حسابش را جدا کرد؛ زیرا خواص اصلی خود را یکسره به سرمایه فرهنگی که بنا به فرض ضمانت‌کننده آن است، واگذار می‌کند».

حالت متجسد: اکثر خواص سرمایه فرهنگی را می‌توان از این نکته دریافت که این سرمایه در حالت بنیادین خود با کالبد، مرتبط و مستلزم تجسد است. انباشت سرمایه فرهنگی در حالت متجسد، پیشاپیش پیامد تجسد بخشیدن و به صورت جزئی از کالبد درآمدن، به کالبد پیوستن و جزئی از آن شدن است. عمل اخذ و اکتساب، کاری است که شخص روی خودش انجام می‌دهد، تلاشی است که پیشاپیش در گرو صرف هزینه مستقیم توسط خود شخص می‌باشد. سرمایه‌گذاری که از همه مهمتر است به صورت صرف وقت می‌باشد؛ ولی در

ضمن، پای سرمایه‌گذاری چیز دیگری در میان است که از مؤلفه‌های اجتماعی تشکیل شده و خرج شدنش به حساب لیبدو است. این سرمایه متجسد و این ثروت برونی را که به جزء جداشدنی وجود شخص و محدوده اعمال عادتواره او تبدیل شده است، نمی‌توان فوراً با هدیه یا خرید مبادله کرد. این حالت از سرمایه فرهنگی را نمی‌توان فراتر از ظرفیت‌های متناسب با یک فرد انباشت کرد؛ بلکه برعکس، همراه حامل خود (ظرفیت بیولوژیکی او، حافظه‌اش و ...) رو به افول می‌نهد و می‌میرد (راد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

«سرمایه فرهنگی بدین گونه موفق می‌شود که شأن خصایل ذاتی را با فضیلت‌های اکتسابی در هم آمیزد و باز از آنجا که شرایط اجتماعی انتقال و استحصالش در مقایسه با شرایط سرمایه اقتصادی، بیشتر مستتر می‌باشد، پیشاپیش آماده است تا همچون سرمایه نمادین عمل کند، یعنی سرمایه محاسبه نشود؛ بلکه به عنوان صلاحیتی مشروع و در مقام نوعی اقتدار که تأثیری به صورت نبود شناخت اعمال می‌کند، شناخته شود» (همان: ۱۱۸).

حالت عینیت‌یافتگی: سرمایه فرهنگی در این حالت، چند خصوصیت دارد که فقط در رابطه با سرمایه فرهنگی در شکل متجسد آن به تعریف در می‌آیند. سرمایه فرهنگی که به شکل اشیای مادی و رسانه‌هایی چون: نوشته‌ها، نقاشی‌ها، بناهای تاریخی، ابزارها و ... عینیت پیدا می‌کند، در حالت مادیت خود، قابل انتقال است؛ برای مثال، مجموعه‌ای از تابلوهای نقاشی را می‌توان درست همانند سرمایه اقتصادی منتقل کرد؛ اما آنچه در این میان قابل انتقال است مالکیت قانونی و حقوقی آن است نه مالکیت ابزار مصرف آن نقاشی یا استفاده از آن کالا. سرمایه فرهنگی در حالت عینیت‌یافتگی خود با همه نموده‌های جهان مستقل و منسجمی ظاهر می‌شود که محصول کنش تاریخی است؛ اما قوانین خاص خود را دارد که آنها را از امیال و اراده‌های فردی به طور استعلایی فرا می‌گیرد و همانطور که مثال زبان به خوبی نشان می‌دهد، به آنچه هر عامل یا مجمعی از عاملان قادرند تصرف کنند، کاهش نمی‌یابد. با این حال، نباید فراموش کرد که این سرمایه به طور نمادین و از لحاظ مادی، فعال و فقط به صورت سرمایه مؤثر وجود دارد؛ به بیان دیگر، تا جایی که سخن از تصرف آن به صورت عوامل است، همچون یک سلاح در میدان مبارزه تولید فرهنگی (عرصه‌های هنری، علمی و غیره) به کار گرفته می‌شود و روی آن، سرمایه‌گذاری انجام می‌گیرد و فراتر از آنها در عرصه طبقات اجتماعی، یعنی عرصه مبارزه‌ای که در آنها عوامل، نیروی خود را به کار می‌برند و منافع متناسب با سهم خود از سرمایه



عینیت یافته کسب می کنند و خلاصه به قدر اقتضای سرمایه متجسدشان توفیق می یابند، می توان موجودیتش را محرز شمرد (بورديو، ۱۳۸۴؛ به نقل از راد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

حالت نهادینه شده: عینیت یابی سرمایه فرهنگی به شکل مدارک و مدارج آموزشی، یک راه خنثی کردن خواص ناشی از آن است که این سرمایه متجسد با جسم فرد، حد و مرز یکسان دارد. این عینیت یابی چیزی است که موجب تفاوت میان سرمایه خودآموخته از یک سو و سرمایه فرهنگی از سوی دیگر می شود و از نظر رسمی مستقل از شخص حامل می باشد؛ این حالت، نوعی رسمیت بخشیدن نهادی به سرمایه فرهنگی است. مدارک تحصیلی و آکادمیک نمونه ای از این حالت است. احراز مدارک تحصیلی یا اعطای تمایز نهادی به سرمایه فرهنگی که در تملک یک فرد خاص قرار می گیرد، این امکان را به وجود می آورد که صاحبان این صلاحیت ها با هم مقایسه و حتی با نشان دادن یکی به جای دیگری، مبادله شوند؛ به علاوه این امکان به وجود می آید که نرخ های تبدیل بین سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی را با تضمین ارزش پولی فلان سرمایه آکادمیک برقرار سازیم. این فرایند تبدیل سرمایه اقتصادی به سرمایه فرهنگی، بهای فلان صلاحیت خاص را نسبت به سایر صلاحیت ها و با همین قیاس، ارزش پولی را که با آن می توان در بازار کار مبادله کرد، تعیین می کند. از آنجا که سودهای مادی و نمادینی که مدارج تحصیلی تضمین می کند نیز به کمیابی آن بستگی دارد، سرمایه گذاری های انجام گرفته (بر حسب زمان و تلاش) ممکن است کمتر از آنچه قبلاً پیش بینی شده است، سودآور از کار درآید (همان: ۱۴۵).

مشارکت اجتماعی

آلموند و پاول ضمن تأکید بر تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان، در خصوص اثرات پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد نیز تأکید می کنند. بیشتر پژوهش ها نشان می دهند که شهروندان تحصیل کرده، ثروتمند و بهره مند از مهارت های حرفه ای، احتمال بیشتری دارد که واجد ایستارهای مشارکت جویانه باشند. در مواردی نیز ضرورت حکم کند منابع و مهارت هایی که این گونه افراد در زندگی خصوصی به دست می آورند آنها را به سهولت به مشارکت اجتماعی بکشاند؛ بر اساس نتایج این بررسی ها، شهروندان مرفه تر در جامعه معمولاً در مقایسه با شهروندان کمتر مرفه، در سیاست فعال ترند (آلموند و پاول، ۱۳۸۰: ۱۴۲).

اینکلهارت که نوسازی اجتماعی و فرهنگی را در غرب مطالعه کرده، افزایش مشارکت در مغرب زمین را با سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت های ارزشی که تأکید بر نیازهای آنی دارند و بر حق ابراز نظر تأکید بیشتری می‌ورزند، مورد تبیین قرار داده است (غفاری و دهقان، ۱۳۸۴: ۷۳). کالینز معتقد است هر فرد به هنگام قرار گرفتن در یک موقعیت اجتماعی، متأثر از سه عامل است و آنچه در این موقعیت روی می‌دهد محصول نوعی پیوند می‌باشد که میان این سه عامل و در روابط رو در روی میان افراد شکل می‌گیرد. در عین حال او تأکید می‌کند که تنها انسان‌ها هستند که کاری را انجام می‌دهند و ساختارهای کلانی چون طبقات اجتماعی و حتی سازمان‌ها هرگز کاری را انجام نمی‌دهند پس هرگونه تبیین علمی، سرانجام باید به کنش‌های افراد واقعی برسد. سه عامل مد نظر کالینز عبارتند از: ۱. درک فرصت‌های موجود در بازار کنش متقابل؛ ۲. سرمایه فرهنگی؛ ۳. انرژی احساسی. از نظر او، موقعیت‌هایی که در آن افراد بتوانند به قدرت (ظرفیت و اداری کردن دیگران به اینکه چه کار باید بکنند) و موقعیت (ظرفیت دریافت احترام و جاه و جلال) برسند و در نتیجه جبران هزینه‌ای باشد که قبلاً خرج کرده‌اند، موقعیت‌های بسیار انرژی بخشی هستند. افرادی که سرمایه فرهنگی بالایی برای برخورداری از احترام و اعمال تسلط بر دیگری دارند، شانس بیشتری برای دریافت مثبت ترین نوع انرژی احساسی برآمده از کنش متقابل با دیگران (مشارکت اجتماعی) خواهند داشت (ریتزر، ۱۳۷۹: ۱۷۰).

چارچوب نظری پژوهش

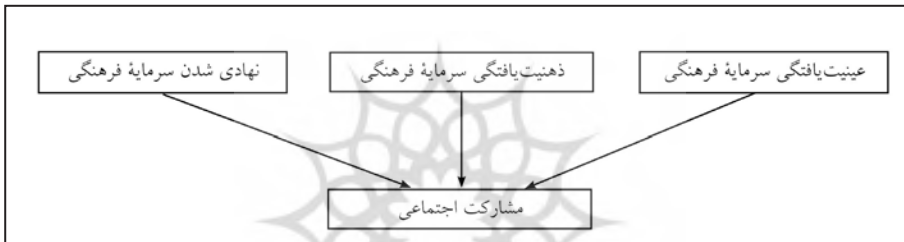
چارچوب نظری تحقیق حاضر برگرفته از نظریه کالینز و بوردیو به دلیل جامعیت بیشتر در تبیین این پژوهش است. به نظر بوردیو سرمایه فرهنگی در سه حالت عینیت‌یافتگی، ذهنیت‌یافتگی و متجسد ظاهر می‌گردد که پیش‌بینی می‌شود در استان ایلام، این سه مؤلفه به عنوان مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی با مشارکت اجتماعی، رابطه داشته باشند؛ همچنین از آنجا که کالینز در نظریه خود به سه عامل اساسی مؤثر در موقعیت اجتماعی، از جمله: درک فرصت‌های موجود، سرمایه فرهنگی و انرژی احساسی فرد، تأکید دارد، این سه عامل و مهمتر از آنها سرمایه فرهنگی نوعی پیوند و مشارکت اجتماعی در روابط رو در رو را شکل می‌دهند؛ لذا پیش‌بینی می‌شود سرمایه فرهنگی و مؤلفه‌های آن، سبب افزایش مشارکت اجتماعی در میان جوانان شهر ایلام گردند.



فرضیه‌های پژوهش

- بین سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین تجسم‌یافتگی سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین عینیت‌یافتگی سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد.
- بین نهادی شدن سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد.

مدل تحلیلی



شکل شماره (۱). مدل تحلیلی ارتباط انواع سرمایه فرهنگی با مشارکت اجتماعی

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است و پیمایش، مطالعه‌ای در مورد جمعیت نمونه‌نمایاست که معرف کل جامعه آماری است. جامعه آماری این تحقیق، شامل کلیه جوانان شهر ایلام با دامنه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال به تعداد ۵۹ هزار و ۹۳۰ نفر بر اساس سالنامه آماری سال ۹۵ می‌باشد که به جهت گستردگی، برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده گردید؛ به این صورت که مناطق شهر ایلام به بخش‌هایی تقسیم شد و از میان مناطق تفکیک‌شده، مناطق ۸، ۱۱ و ۱۵ به صورت تصادفی انتخاب گردیدند. در مرحله دوم نیز با توجه به تعداد نواحی هر یک از مناطق انتخاب‌شده، نمونه‌ها به‌طور متناسب سهمیه داده شدند و در هر یک از نواحی، نمونه‌ها به شیوه تصادفی ساده انتخاب گردیدند و مورد بررسی قرار گرفتند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران به تعداد ۳۸۱ نفر تعیین شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز پرسشنامه

بود. تجزیه و تحلیل اطلاعات هم با استفاده از دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفت؛ در سطح آمار توصیفی از نمودار فراوانی، درصد و میانگین و در سطح استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. روایی ابزار پژوهش از طریق اعتبار صوری و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ به دست آمد که میزان آلفای کرونباخ در میان متغیرهای تحقیق بدین صورت بوده است: سرمایه فرهنگی، ۰/۹۰؛ سرمایه فرهنگی ذهنیت یافته، ۰/۸۷؛ سرمایه فرهنگی عینیت یافته، ۰/۸۶؛ سرمایه فرهنگی نهادی شده، ۰/۷۸ و مشارکت اجتماعی، ۰/۸۲ که درصد قابل قبولی است. در خصوص اعتبار صوری برای سنجش مفاهیم اصلی تحقیق و داوری نیز به تعدادی از کارشناسان و متخصصان مراجعه شد. بر اساس نتایج ارزیابی متخصصان، برخی از سؤالات، حذف شد و سؤالات دارای اعتبار کافی به عنوان سؤالات پرسشنامه انتخاب گردید.

متغیرهای پژوهش

سرمایه فرهنگی: عبارت است از آن چیزی که فرد آن را به طور انتسابی و اکتسابی در خانواده، جامعه و مدرسه به دست می آورد. این سرمایه با معرف‌هایی همچون: الف) سرمایه فرهنگی تجسم یافته یا ذهنی (فعالیت‌های فرهنگی، فضای فرهنگی خانواده و ...) (مجمع، ۱۳۸۷: ۱۱۶)؛ ب) سرمایه فرهنگی عینیت یافته (میزان مصرف کالاهای فرهنگی خانواده همانند کتابخوانی، فیلم و سینما، نوشته‌ها، نقاشی‌ها و ...) و ج) سرمایه فرهنگی نهادینه شده (مدارک و مدارج تحصیلی و علمی فرهنگی) (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۱۲) شناخته شده است. برای اندازه‌گیری این ابعاد سه گانه سرمایه فرهنگی از ۱۶ معرف، بر اساس معرف‌هایی که ونک و بولن در نظر گرفته بودند، استفاده شده است. سرمایه فرهنگی نهادی در پژوهش حاضر، شامل: بالا بودن مدرک تحصیلی فرد، بالا بودن مدرک تحصیلی پدر، بالا بودن مدرک تحصیلی مادر، مدرک تحصیلی زبان‌های خارجی، نوع مدرک (سراسری، آزاد و پیام نور) و رشته تحصیلی (علوم پایه، علوم فنی و مهندسی و علوم انسانی) می‌باشد.

مشارکت اجتماعی: به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محل زندگی خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم هستند (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸). مصداق عملیاتی چنین مشارکتی، شرکت در انواع انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی است و منظور از مشارکت در چنین



سازمان‌هایی، عضویت، انجام دادن فعالیت‌ها یا صاحب مسئولیت بودن در یک سازمان غیردولتی (NGO) است. در این تحقیق برای سنجش میزان مشارکت از مقیاس چاپین استفاده شده است که ۱۴ گویه دارد و چهار نوع فعالیت حاوی مقوله‌های فعالیت‌های سیاسی را شامل می‌شود:

۱. عضویت در احزاب، اتحادیه یا صنف و شرکت در انتخابات؛
۲. مشارکت در گروه‌های مدنی شامل انجمن اولیا و مربیان، تعاونی‌های محلی و خانوادگی، همکاری با سازمان‌هایی نظیر شهرداری، مانند حفظ و نگهداری از فضای سبز، عضویت در مدیریت آپارتمان، همکاری با همسایگان و مدیریت بهداشت محل و انجمن‌های قومی؛
۳. مشارکت در گروه‌های مذهبی و خیریه، همانند روضه‌ها، خیریه‌ها، هیئت امناء، جلسات و جشن‌های مذهبی، کمک به فقراء؛
۴. مشارکت در گروه‌های هنری، ورزشی و تفریحی همچون کلاس‌های هنری، باشگاه ورزشی و فعالیت‌های ورزشی. به هر یک از مقوله‌ها به ترتیب، نمره ۱ تا ۵ تخصیص داده شد که با جمع کردن این نمره‌ها نمره مشارکت اجتماعی فرد تعیین می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یافته‌های پژوهش
الف) تحلیل توصیفی

جدول شماره (۱). توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای پژوهش

سن		فراوانی	توزیع فراوانی
درصد	فراوانی		
۴۷/۴	۱۸۱	زن	جنسیت
۵۲/۶	۲۰۰	مرد	
۱۰۰	۳۸۱	کل	
۲۷/۸۶	۱۰۶	دیپلم	تحصیلات
۵۰/۵۲	۱۹۳	لیسانس	
۲۱/۶۱	۸۲	ارشد و بالاتر	
۱۰۰	۳۸۱	کل	
۵۹/۶۳	۲۲۷	متاهل	وضعیت تأهل
۴۰/۳۶	۱۵۴	مجرد	
۱۰۰	۳۸۱	کل	
۳۴/۱	۱۲۹	پایین	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۴۲/۱	۱۷۷	متوسط	
۱۳/۹	۷۵	بالا	
۱۰۰	۳۸۱	کل	

توزیع آماری جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که پاسخگویان مرد، بالاترین درصد را داشته‌اند. توزیع فراوانی و درصد مربوط به تحصیلات پاسخگویان نیز بیانگر این است که بالاترین درصد (۵۰/۵۲) مربوط به افراد دارای مدرک لیسانس و پایین‌ترین درصد (۲۱/۶۱) مربوط به افراد با مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر بوده است. توزیع فراوانی مربوط به وضعیت تأهل نیز بیشترین درصد

(۵۹/۶۳) پاسخگویان را افراد متأهل و بقیه پاسخگویان (۴۰/۳۶ درصد) را افراد مجرد، نشان داده است. توزیع فراوانی پاسخگویان مربوط به پایگاه اقتصادی - اجتماعی هم حاکی از این است که بیشترین درصد افراد پاسخگو (۴۲/۱) را افراد دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی متوسط و پایین ترین درصد (۱۳/۹) را افراد دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا به خود اختصاص داده است.

توزیع فراوانی متغیرها

جدول شماره (۲). میزان نگرش پاسخگویان نسبت به ابعاد سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی

ابعاد سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی	عینیت یافتگی سرمایه فرهنگی		ذهنیت یافتگی سرمایه فرهنگی		نهادی شدن سرمایه فرهنگی		مشارکت اجتماعی ... عضویت در احزاب و ...		مشارکت در گروه های مدنی		مشارکت در گروه های مذهبی		مشارکت در گروه های هنری، ورزشی و تفریحی	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
متوسط	۵۸	۱۵/۵	۱۵	۳/۹	۶	۱/۶	۱۰/۲	۳۹	۲۲	۵/۸	۱۰	۲/۶	۱۹	۵
زیاد	۱۷۱	۴۴/۹	۱۸	۲۰/۵	۱۴۸	۳۸/۸	۲۳/۱	۸۸	۱۵۵	۴۰/۷	۱۵۱	۳۹/۶	۸۷	۲۲/۸
بسیار زیاد	۱۲۱	۳۱/۸	۲۸۶	۷۵/۱	۲۲۰	۵۷/۷	۲۵۲	۶۶/۱	۱۹۶	۵۱/۴	۲۰۹	۵۴/۹	۲۶۳	۶۹
از دست رفته	۳۱	۸/۱	۲	۰/۵	۷	۱/۸	۲	۰/۵	۸	۱/۲	۱۱	۲/۹	۱۲	۳/۱
کل	۳۸۱	۱۰۰	۳۸۱	۱۰۰	۳۸۱	۱۰۰	۳۸۱	۱۰۰	۳۸۱	۱۰۰	۳۸۱	۱۰۰	۳۸۱	۱۰۰

توزیع آماری جدول شماره ۲ نشان می دهد که میزان نگرش ۵۵/۱ درصد پاسخگویان مورد مطالعه به بعد عینیت یافتگی سرمایه فرهنگی، بسیار زیاد؛ ۳۷/۸ درصد، زیاد و ۷/۱ درصد متوسط بوده و بیشترین میزان پاسخگویان، دیدگاهشان در مورد فعالیت های فرهنگی در سطح بسیار زیاد قرار داشته است؛ همچنین

این جدول بیانگر این است که ۴۷/۶ درصد پاسخگویان مورد مطالعه با بعد ذهنیت‌یافتگی سرمایه فرهنگی، بسیار موافق، ۴۱/۹ درصد، زیاد موافق و ۱۰/۵ درصد در حد متوسط، موافق بوده‌اند و بیشترین میزان پاسخگویان دیدگاه کاملاً موافق داشته‌اند. توزیع فراوانی بعد نهادی شدن سرمایه فرهنگی هم نشان می‌دهد که ۴۳/۴ درصد، دیدگاه موافق و ۳۶/۷ درصد دیدگاه کاملاً موافق و ۱۹/۹ درصد نیز دیدگاه متوسط داشته‌اند. توزیع آماری جدول بالا در خصوص مشارکت اجتماعی نیز بیانگر این است که ۴۰/۴ درصد از پاسخگویان مورد مطالعه با بعد پیامدی، بسیار؛ ۴۲/۳ درصد، زیاد و ۱۷/۲ درصد در حد متوسط، موافق بوده‌اند؛ همچنین از کل پاسخگویان، بالاترین درصد با معیار زیاد، ۶۲/۲ درصد را تشکیل داده است و کمترین پاسخگویان با ۹/۷ درصد، معیار متوسط داشته‌اند.

ب) آمار استنباطی

جدول شماره (۳). آزمون فریدمن در ارتباط با متغیرهای سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی

متغیرهای سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی	میانگین رتبه (درصد)
عینیت‌یافتگی سرمایه فرهنگی	۲/۷۷
نهادی شدن سرمایه فرهنگی	۲/۵۷
ذهنیت‌یافتگی سرمایه فرهنگی	۲/۳۹
عضویت در گروه‌های سیاسی	۲/۴۹
عضویت در گروه‌های مدنی	۲/۲۷
عضویت در گروه‌های مذهبی	۳/۰۵
عضویت در گروه‌های هنری	۲/۶۳

نتیجه میانگین رتبه‌ها در جدول بالا نشان می‌دهد که عینیت‌یافتگی سرمایه فرهنگی با ضریب ۲/۷۷ درصد در اولویت قرار دارد؛ بدین معنا که پاسخگویان،



بیشتر به بعد عینیت یافتگی همچون میزان تملک در کالاهای فرهنگی توجه داشته‌اند. سرمایه فرهنگی نهادینه شده نیز که شامل مدارک و مدارج تحصیلی و علمی - فرهنگی است در اولویت دوم قرار دارد و به همین ترتیب، ذهنیت یافتگی سرمایه فرهنگی که شامل فعالیت‌های فرهنگی و سرمایه فرهنگی خانوادگی است کمترین مقدار ضریب را داراست.

جدول شماره (۴). نتیجه آزمون معناداری فریدمن

۳۸۱	حجم نمونه
۳۸/۰۶۹	Chi-Square
۳	درجه آزادی
۰/۰۰۰	Asymp. Sig

نتیجه آزمون فریدمن با مقدار $38/069$ Chi-Square/۳۸: در سطح خطای ۱ درصد $0/000$ Asymp. Sig = معنادار است؛ همچنین سطح معناداری آزمون را با مقدار صفر می‌توان مشاهده کرد که با توجه به خروجی‌های بالا نتیجه نهایی ابعاد سرمایه فرهنگی از نظر جوانان متفاوت است. این تحقیق به بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن و مؤلفه مشارکت اجتماعی پرداخته است؛ به همین منظور با توجه به سطح سنجش متغیرها برای آزمون فرضیات از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. یافته‌های تحلیلی تحقیق، فرضیه اول، مبنی بر رابطه بین سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی را تأیید می‌کند.

جدول شماره (۵). یافته‌های توصیفی دوبعدی ابعاد سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی

کل	مشارکت اجتماعی			مشارکت اجتماعی	
	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	ابعاد سرمایه فرهنگی	
۴٪	۳۴٪	۰۶٪	۰۱۰٪	متوسط	تجسم یافتگی
۱۹/۴٪	۱۳/۷٪	۵/۴٪	۳٪	زیاد	
۷۶/۶٪	۵۸٪	۱۶/۶٪	۲٪	بسیار زیاد	
۱۰۰٪	۷۵/۱٪	۲۲/۶٪	۲/۳٪	کل	
۱۵/۵٪	۹/۳٪	۵/۳٪	۹٪	متوسط	عینیت یافتگی
۴۸/۶٪	۳۶/۲٪	۱۱/۸٪	۶٪	زیاد	
۳۵/۹٪	۲۸/۲٪	۷/۱٪	۶٪	بسیار زیاد	
۱۰۰٪	۷۳/۷٪	۲۴/۱٪	۲/۲٪	کل	
۱/۷٪	۰٪	۱/۷٪	۰٪	متوسط	نهادی
۳۶/۶٪	۳۰٪	۴/۹٪	۱/۷٪	زیاد	
۶۱/۷٪	۴۵٪	۱۶/۱٪	۶٪	بسیار زیاد	
۱۰۰٪	۷۴/۹٪	۲۲/۸٪	۲/۳٪	کل	

جدول شماره (۶). آزمون همبستگی ابعاد سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی

جدول مقادیر	بعد عینی سرمایه فرهنگی	بعد ذهنی (تجسم یافتگی) سرمایه فرهنگی	بعد نهادی سرمایه فرهنگی	سرمایه فرهنگی (کل)
R	۰/۹۵۰	۰/۹۷۴	۰/۹۲۸	۰/۹۱۳
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تعداد نمونه	۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱	۳۸۱
نتایج آزمون	رابطه، معنادار است و فرضیه، تأیید شد.	رابطه، معنادار است و فرضیه، تأیید شد.	رابطه، معنادار است و فرضیه، تأیید شد.	رابطه، معنادار است و فرضیه، تأیید شد.



بحث و نتیجه گیری

جدول شماره ۶، میزان همبستگی آماری بین ابعاد سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت اجتماعی را نشان می‌دهد. از آنجا که معیار sig بعد ذهنیت‌یافتگی سرمایه فرهنگی، برابر با ۰/۰۰۰ و کوچک‌تر از ۰/۰۵ است؛ ضریب همبستگی به‌دست‌آمده معنادار شده است، یعنی بین بعد ذهنی سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۹۷۴) می‌توان گفت که همبستگی بین دو متغیر، مثبت و قوی است؛ یعنی هرچه بر بعد ذهنی سرمایه فرهنگی افزوده شود مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. سطح معناداری بین بعد عینی سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی، ۰/۰۰۰ است که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد و بیانگر معناداری ارتباط بین دو متغیر است. میزان همبستگی (۰/۹۵۰) نیز نشان‌دهنده همبستگی مثبت و معنادار می‌باشد؛ یعنی با رشد بعد عینی سرمایه فرهنگی، شاهد گرایش به مشارکت اجتماعی در بین جوانان ایلام خواهیم بود. مقدار معناداری بین بعد نهادی سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی (۰/۰۰۰) و میزان همبستگی (۰/۹۲۸)، حاکی از معنادار شدن رابطه و همبستگی مثبت و قوی بین دو متغیر است؛ به این معنا که افزایش بعد نهادی سرمایه فرهنگی سبب افزایش میزان مشارکت اجتماعی در میان جوانان شهر ایلام می‌گردد؛ بنابراین تمام مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی با مشارکت اجتماعی، همبستگی مثبت و معنادار دارند؛ ولی بیشترین همبستگی آن با مؤلفه ذهنیت‌یافتگی سرمایه فرهنگی (۰/۹۷۴) می‌باشد که همان تمایلات و گرایش‌های روانی فرد نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی است؛ بنابراین می‌توان اذعان کرد که افزایش میزان سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته یا ذهنی به تقویت میزان مشارکت اجتماعی منجر خواهد شد. در نهایت هم رابطه کلی سرمایه فرهنگی و مشارکت اجتماعی در سطح ۰/۰۰۰ با ضریب ۰/۹۱۳ معنادار بود که در این رابطه نیز دو متغیر تأیید گردیدند.

در خصوص انطباق نتایج این پژوهش با تحقیقات پیشین در حوزه مشارکت اجتماعی و سرمایه فرهنگی، می‌توان به تحقیق رستمی و همکاران (۱۳۹۰) اشاره کرد که نتایج آن با توجه به رابطه معناداری دو متغیر با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد؛ همچنین نتایج پژوهش حاضر، نظریه کالینز در باب رابطه سرمایه فرهنگی به عنوان یکی از سه عامل مؤثر در قرار گرفتن افراد در یک موقعیت اجتماعی را مورد تأیید قرار داد.

پیشنهادها

- تقویت سرمایه فرهنگی و مؤلفه‌های آن در جهت افزایش مشارکت اجتماعی استان ایلام از طریق سیاست‌گذاری‌های راهبردی مربوط به توسعه.

- با توجه به اینکه سرمایه فرهنگی درونی‌شده از طریق برنامه‌ریزی و فعالیت‌های یادگیری و آموزش افزایش می‌یابد، بدیهی است که در این خصوص، نهادهایی همچون آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها نقش مهمتری ایفا می‌کنند؛ لذا توسعه سرمایه درونی‌شده از طریق این نهادها پیشنهاد می‌شود.

- با توجه به لازم و ملزوم بودن سرمایه عینیت‌یافته و اینکه نمود عینی سرمایه فرهنگی، تمایلات و گرایش‌های روانی فرد نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی است، پیشنهاد می‌شود سازوکارها و امکانات لازم در جهت تقویت گرایش فکری و روانی فرد نسبت به کالاهای فرهنگی متناسب با هویت ایرانی در جامعه فراهم گردد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- آلموند، جی. ال. و او. پاول؛ (۱۳۸۰)، «مشارکت و حضور سیاسی شهروندان»، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، تهران، شماره ۱۶۳ و ۱۶۴.
- اکبریان، مهدی و لیلا فتحی؛ (۱۳۹۱)، «مشارکت مردم اساس توسعه اجتماعی»، پژوهش و سلامت، دوره دوم، شماره ۱.
- ایران‌نژاد، وحید؛ (۱۳۹۲)، «بررسی وضعیت سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه علمی کاربردی»، مطالب علمی و پژوهشی، دسترسی در [AVAILABLE: VAHIDIRANNEZHAD.PERSIANBLOG.IR](http://AVAILABLE:VAHIDIRANNEZHAD.PERSIANBLOG.IR)
- بوردیو، پی‌یر؛ (۱۳۸۴)، شکل‌های سرمایه در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز، تهران، شیرازه.
- بیرو، آلن؛ (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- جنکینز، ریچارد؛ (۱۳۸۵)، پی‌یر بوردیو، تهران: نی.
- چلبی، مسعود؛ (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، چ دوم، تهران: نی.
- خوب‌آیند، سعید؛ (۱۳۸۳)، «بررسی شاخص‌های برخورداری و درجه‌بندی توسعه در شهرستان‌های استان ایلام»، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۶۹.
- درینی، ولی‌محمد، محمد تابان، احسان نامدار جویمی و ناصر باهنر؛ (۱۳۹۴)،

- «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام)»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال شانزده، شماره سی و یک.
- راد، فیروز، فاروق امین مظفری و فتاح مظلومی؛ (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با هوش فرهنگی مدیران دبیرستان‌های تبریز»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۴، شماره ۱۳، ۱۱۱-۱۳۳.
- رستمی، گلشن، حسین بنی‌فاطمه و محمدباقر علیزاده اقدم؛ (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با میزان مشارکت اجتماعی در بین دبیران زن شاغل در آموزش و پرورش شهر میاندوآب»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره سوم، شماره ۹، ۸۷-۹۷.
- رضادوست، کریم، علی حسین حسین‌زاده و حمید عابدزاده؛ (۱۳۸۸)، «عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر ایلام»، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۰، شماره ۳.
- روح‌الامینی، محمود؛ (۱۳۷۴)، زمینه فرهنگ جامعه‌شناسی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ریتزر، جرج؛ (۱۳۷۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- زارع، بیژن و مجید روحنده؛ (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - سیاسی، مطالعه‌ای در باب شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج»، مطالعات اجتماعی ایران، دوره نهم، شماره ۲، ۶۴-۸۷.
- شارع‌پور، محمود و غلامرضا خوش‌فر؛ (۱۳۸۱)، «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: شهر تهران)، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، ۱۳۳-۱۴۷.
- شویره کریستیان و اولیویه فونتین؛ (۱۳۸۵)، واژگان پیر بوردیو، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نی.
- غفاری، غلامرضا و علیرضا دهقان؛ (۱۳۸۴)، «تبیین مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان علوم پزشکی تهران»، جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۱.
- فاضلی، محمد؛ (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم: صبح صادق.
- فخرایی، سیروس و انور کریمیان؛ (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با هویت‌پذیری (مطالعه موردی: دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی پسرانه شهرستان بوکان در سال تحصیلی ۹۰-۸۹)»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره دوم، شماره سوم، ۱۲۵-۱۴۸.

- فرجی، لیلا و جواد فعلی؛ (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بر میزان مشارکت زنان در سازمان‌های غیردولتی»، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۳۸۹، دوره ۶، شماره ۴، ۲۴-۳۱.
- قاسمی، یارمحمد و احسان نامدار جویمی؛ (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین فرهنگی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام)»، فرهنگ ایلام، شماره ۱۵، ۷-۲۱.
- مجمع، شهره؛ (۱۳۸۷)، بررسی الگوی پوشش جوانان (سبک زندگی یا مقاومت)؛ مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ (۱۳۶۹)، بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- موسوی، میرطاهر؛ (۱۳۸۵)، «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، رفاه اجتماعی، دوره ششم، شماره ۲۳، ۶۷-۹۲.
- ناصری، سهیلا و باقر ساروخانی؛ (۱۳۹۵)، «بررسی جامعه‌شناختی میان سرمایه فرهنگی خانواده‌های شهری و فرزندمداری (مطالعه موردی: شهر تهران)»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال ششم، شماره بیستم، ۱-۲۶.
- نصیری، محمد؛ (۱۳۸۹)، بررسی میزان مشارکت اجتماعی معلمان دبیرستان‌های شهر تکاب و عوامل اجتماعی مرتبط با آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
- نوایخش، مهرداد و مریم ثابتی؛ (۱۳۹۴)، «طراحی و ارائه الگو جهت سنجش تأثیر سرمایه فرهنگی بر ابعاد توسعه پایدار شهری با تأکید بر انرژی‌های پاک»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۸، ۳۷-۵۰.

ب) انگلیسی

- D. Gavreliuc and A. Gavreliuc, (2014) "Symbolic capital and cultural dimensions in Romanian educational organizations," *Procedia-Social Behav. Sci.*, vol. 127, pp. 392-395.
- Swim, E. K., Kim, Y. E., & Kim, H. Y. (2007). "Screening of nine herbs with biological activities on ACE inhibition", *HMG-CoA reductase inhibition, and fibrinolysis. Korean Journal of Food Science and Technology*.